

گزارش ~~صفت~~ از دلایل ماندگاری چک کاغذی در معاملات

## نبض بازار هنوز روی کاغذ می‌زند

چک کاغذی در بازار ایران فقط یک ابزار پرداخت مدت‌دار نیست؛ بخشی از زبان مشترک معامله و اعتبار است. هرچند در سال‌های اخیر با راه‌اندازی و توسعه سامانه‌های الکترونیکی، مسیر حذف کاغذ و ثبت دیجیتال تعهدات جدی‌تر دنبال شده، اما در کف بازار به‌ویژه در بنکداری، عمده‌فروشی و توزیع چک کاغذی هنوز نقش پررنگی دارد. این پافشاری را نمی‌شود صرفاً به «عادت» یا «فاصله گرفتن از فناوری» تقلیل داد. بازار در شرایطی کار می‌کند که سرعت تصمیم‌گیری بالاست، اعتماد بیشتر اجتماعی است تا سیستمی، و ریسک نقدینگی به‌طور روزانه روی میز کاسب قرار دارد. در چنین محیطی، ابزار پرداخت باید هم قابل فهم باشد، هم در لحظه معامله بدون خطا کار کند، هم در صورت اختلاف راه پیگیری روشن و کم‌هزینه داشته باشد.

### بازار سنتی در برابر حذف چک کاغذی مقاومت می‌کند

برای گذار واقعی به مبادلات بی‌کاغذ، باید هم زیرساخت و هم طراحی سامانه‌ها به زبان بازار نزدیک‌تر شود.

بازار سنتی در برابر حذف چک کاغذی مقاومت می‌کند؛ مقاومتی که در نگاه نخست ممکن است ناشی از عادت یا بی‌اعتمادی به فناوری به نظر برسد، اما در واقع ریشه در تجربه روزمره کاسبان، شیوه گردش اعتبار در

وقتی بخشی از کسبه احساس می‌کنند استفاده از ابزارهای دیجیتال هنوز به اندازه چک کاغذی ساده و بی‌دردسر نیست یا نگرانند طرف مقابل آن را نپذیرد، یا از پیامدهای مالیاتی و محدودیت‌های بانکی می‌ترسند طبیعی است که به گزینه آشنا برگردند. این گزارش تلاش می‌کند از زاویه دغدغه‌های عملی اصناف، دلایل این مقاومت را بررسی کند و نشان دهد

### چک کاغذی؛ سندی از جنس اعتماد و اعتبار

کرده، چه تاریخی دارد و بابت چه معامله‌ای گرفته‌ای. در سامانه، گاهی نمی‌دانی ثبت نهایی شده یا نه و همین ابهام باعث می‌شود طرفین دوباره به همان روش قبلی برگردند.»

چک کاغذی همچنین امکان مدیریت اعتبار را برای کاسب فراهم می‌کند. در بسیاری از معاملات عمده، فروشنده کالا را امروز تحویل می‌دهد و وجه آن را در تاریخ مشخصی دریافت می‌کند. اگر کاسب خود نیز به تأمین‌کننده بدهکار باشد، چک دریافتی ممکن است در معامله دیگری مورد استفاده قرار گیرد. این گردش، هرچند در بسیاری موارد غیررسمی است، بخشی از سازوکار تأمین مالی بازار را شکل داده است.

مریم برومند، عمده‌فروش پوشاک در بازار

در بازار سنتی، اعتبار افراد فقط از مسیر بانک و سامانه‌های رسمی سنجیده نمی‌شود. سابقه همکاری، شناخت خانوادگی، معرفی از سوی کسبه قدیمی و اعتبار صنفی، نقش مهمی در تصمیم‌گیری دارد. چک کاغذی نیز در همین فضای اعتماد اجتماعی معنا پیدا می‌کند. این برگه برای کاسب، نشانه‌ای از تعهد طرف مقابل است؛ تعهدی که می‌توان آن را روی میز دید، بایگانی کرد و در صورت بروز اختلاف، به آن استناد کرد.

حاج‌رضا تهرانی، بنکدار مواد غذایی در محدوده مولوی تهران، در توصیف این نگرانی می‌گوید: «ما با فناوری مخالف نیستیم، اما معامله در بازار باید برای هر دو طرف روشن باشد. وقتی چک دست است، می‌دانی چه کسی آن را صادر

### نگرانی مالیاتی و ترس از قفل شدن حساب‌ها

دلایل احتیاط بازار است. در مناسبات سنتی، اگر کاسبی با کمبود موقت نقدینگی روبه‌رو شود، گاهی از طریق مهلت گرفتن، میانجی‌گری یا توافق با طرف معامله، مشکل را مدیریت می‌کند. اما پیامدهای سیستمی ممکن است سریع‌تر و سخت‌گیرانه‌تر ظاهر شود و دسترسی فرد به خدمات بانکی را محدود کند. برای کاسبی که تمام فعالیتش به گردش روزانه حساب وابسته است، چنین محدودیتی به معنای اختلال جدی در کسب‌وکار خواهد بود.

راه عبور از این وضعیت، صرفاً اجباری کردن ابزارهای دیجیتال نیست. سامانه‌ها باید با نیاز واقعی بازار طراحی شوند؛ ساده، سریع و قابل استفاده در گوشی‌های معمولی باشند و در زمان قطعی اینترنت نیز مسیر جایگزین و رسید قابل استناد در اختیار طرفین قرار دهند. آموزش نیز باید به زبان صنف انجام شود، نه با دستورالعمل‌های پیچیده و عمومی.

در کنار مشکلات فنی، نگرانی‌های مالیاتی نیز در تصمیم اصناف اثرگذار است. بسیاری از کاسبان می‌گویند با اصل شفافیت مخالفتی ندارند، اما از نحوه استفاده و تفسیر داده‌های مالی مطمئن نیستند. آنها نگرانند که ثبت همه تراکنش‌ها در سامانه‌های مختلف، بدون تفکیک دقیق حساب شخصی و تجاری، باعث شود معاملات روزمره یا مبالغ عبوری به‌عنوان درآمد قطعی تلقی شود.

مسعود شریفی، توزیع‌کننده لوازم یدکی در محدوده چراغ‌برق تهران، درباره این نگرانی می‌گوید: «کاسب ممکن است پولی را از مشتری بگیرد و همان مبلغ را به تأمین‌کننده بدهد. این پول الزاماً سود او نیست، اما اگر همه چیز بدون توضیح ثبت شود، ممکن است بعداً مجبور شود برای هر جابه‌جایی پاسخ بدهد. مسئله ما فرار از قانون نیست؛ نگرانی از برداشت اشتباه و رفت‌وآمدهای طولانی است.»

ترس از برگشت خوردن چک و محدودیت‌های بانکی نیز یکی دیگر از



فروشنده‌گان به شمار می‌رود. کاسب برگه را می‌بیند، مشخصات صادرکننده را بررسی می‌کند، تاریخ را می‌خواند و در صورت نیاز آن را به‌عنوان بخشی از معامله بعدی به فرد دیگری منتقل می‌کند. همین روند ساده و قابل لمس، برای فعالان بازار اهمیت زیادی دارد؛ به‌ویژه در شرایطی که حاشیه سود کاهش یافته و نقدینگی با دشواری بیشتری در گردش است.

### وقتی اینترنت و سامانه پای معامله می‌رسند

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که کسبه مطرح می‌کنند، ناپایداری زیرساخت در لحظه معامله است. بازار زمان زیادی برای منتظر ماندن ندارد. کالا باید تحویل شود، بار باید از انبار خارج شود و فروشنده باید بتواند معامله بعدی را انجام دهد. در چنین فضایی، قطع اینترنت، کندی اپلیکیشن بانکی یا اختلال در سامانه می‌تواند باعث توقف معامله شود.

علی سلیمانی، فروشنده قطعات لوازم خانگی در محدوده امین‌حضور، درباره تجربه خود می‌گوید: «گاهی مشتری آماده خرید است، اما باید چند دقیقه منتظر بمانیم تا برنامه بانک باز شود یا تأیید انجام شود. اگر این اتفاق چند بار در روز تکرار شود، هم فروشنده خسته می‌شود و هم مشتری احساس می‌کند کار پیچیده شده است. چک کاغذی دست کم در همان لحظه روی میز قرار می‌گیرد و معامله جلو می‌رود.»

دیجیتال را بپذیرد، اما مشتری یا تأمین‌کننده او همچنان چک کاغذی خواهد. در چنین شرایطی، حتی کسبه‌ای که آمادگی ورود به فرآیند دیجیتال را دارند، نمی‌توانند به‌طور کامل از شیوه قدیمی فاصله بگیرند. بازار زمانی تغییر می‌کند که این تغییر در همه حلقه‌ها، از تولیدکننده تا توزیع‌کننده و خرده‌فروش، هماهنگ پیش برود.

برخی کاسبان همچنین نگرانند که خطاهای سامانه‌ای به اختلافات تازه منجر شود. در معامله سنتی، اگر برگه‌ای اشتباه نوشته شود یا تاریخ نیاز به اصلاح داشته باشد، طرفین معمولاً با تماس و توافق مسئله را حل می‌کنند. اما در فرآیند دیجیتال، ممکن است یک اشتباه در ثبت مشخصات یا تأیید، پیامدهای بانکی و حقوقی ایجاد کند. همین تصور باعث می‌شود کاسب ترجیح دهد تا زمانی که از عملکرد کامل سامانه مطمئن نشده، روش قدیمی را کنار نگذارد.

از سوی دیگر، لازم است درباره آثار مالیاتی ثبت معاملات، تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی و نحوه حل اختلاف، توضیح روشنی به کسبه داده شود. بازار زمانی چک کاغذی را کنار می‌گذارد که مطمئن شود ابزار دیجیتال نه‌تنها امنیت و اعتبار معامله را حفظ می‌کند، بلکه در عمل از روش قدیمی ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر است. تا آن زمان، چک کاغذی همچنان برای بسیاری از کاسبان، نه نشانه عقب‌ماندگی، بلکه ابزاری آشنا برای حفظ نظم و اعتماد در معاملات خواهد بود.

آنچه در مقاومت بازار سنتی در برابر حذف چک کاغذی دیده می‌شود، بیش از آنکه مخالفت با فناوری باشد، نتیجه شکاف میان «منطق عملی بازار» و «منطق طراحی سامانه‌ها»ست. کاسب و بنکدار در نقطه معامله دنبال قطعیت است؛ می‌خواهد بداند همین الان معامله انجام شد، تعهد طرف مقابل روشن است، و اگر فردا اختلافی پیش آمد مسیر پیگیری پیچیده و زمان‌بر نمی‌شود. وقتی ابزار دیجیتال با کندی، چندمرحله‌ای

### کسری پنهان دولت چگونه مهار می‌شود؟

فشار مالی است. بانکی که برای تأمین نقدینگی مجبور به فروش اوراق با نرخ بالاتر (و قیمت پایین‌تر) می‌شود، زیان شناسایی می‌کند یا ناچار می‌شود از بانک مرکزی اضافه‌برداشت کند. این اتفاق وقتی خطرناک‌تر می‌شود که بانک از قبل هم با ناترازی مزمن، مطالبات غیرجاری و تکالیف سنگین روبه‌رو باشد. در این صورت، اوراق دولتی به جای اینکه دارایی باکیفیت باشد، به دارایی قفل‌شده و فشارآور تبدیل می‌شود.

■ **بازار بدهی وقتی «عمیق» ندارد، اوراق هم درمان نیست**

یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت سیاست انتشار اوراق، وجود بازار بدهی عمیق با بازیگران متنوع است؛ صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌گذاران نهادی باید بخش مهمی از تقاضا را تشکیل دهند. اگر این تقاضا شکل نگیرد، دولت یا باید نرخ سود را بالا ببرد تا جذابیت ایجاد کند، یا باید به خرید دستوری متوسل شود. راه دوم، شاید در کوتاه‌مدت هدف تأمین مالی را محقق کند، اما در بلندمدت هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر دارد؛ زیرا به جای اصلاح کسری بودجه، به ناترازی بانکی و تشدید نیاز به حمایت بانک مرکزی می‌انجامد.

دوره‌ها عمق محدود بازار بدهی باعث می‌شود انتشار اوراق به اندازه کافی توسط بخش خصوصی جذب نشود. در چنین شرایطی، طبیعی است که فشار تأمین مالی به سمت بانک‌هایی برود که امکان اعمال نفوذ و سیاست‌گذاری بر آن‌ها بیشتر است.

ناگفته نماند که اگر دولت اوراق را با نرخ‌هایی منتشر کند که از واقعیت ریسک و تورم عقب‌تر باشد، سرمایه‌گذار خصوصی رغبت نمی‌کند. آن‌وقت برای اینکه برنامه تأمین مالی روی زمین نماند، خرید به بانک‌ها منتقل می‌شود و ایسن دقیقاً همان جایی است که کسری بودجه، رنگ و بوی بانکی پیدا می‌کند. بانک‌ها وقتی اوراق دولتی می‌خرند، در سمت دارایی‌هایشان «اوراق» اضافه می‌شود. این از نظر حسابداری ممکن است خوب به نظر برسد، چون اوراق دولتی عموماً دارایی کم‌ریسک تلقی می‌شود. اما مسئله اینجاست که بانک نیاز به نقدینگی روزانه دارد؛ هم برای پاسخ‌گویی به برداشت سپرده‌ها و هم برای تسویه بین‌بانکی. اگر بانک اوراق را با منابع کوتاه‌مدت تأمین کند، به عدم تطابق سررسیده‌ها دامن می‌زند. اوراق، نقدشوندگی آنی ندارد؛ به‌ویژه اگر بازار ثانویه کم‌عمق باشد یا نرخ سود بازار تغییر کند و فروش اوراق با زیان همراه شود. همین «زبان پنهان» یکی از حلقه‌های اصلی انتقال

خود بانک‌ها انجام نشود و به اضافه‌برداشت، استفاده از خطوط اعتباری یا فروش دارایی برای تأمین نقدینگی ختم شود. نتیجه آن است که کسری بودجه از دولت به بانک‌ها منتقل می‌شود و اگر بانک‌ها برای تأمین نقدینگی به بانک مرکزی متوسل شوند، همان کسری بودجه در لباس جدیدی به رشد پایه پولی و فشار تورمی تبدیل خواهد شد.

کارشناسان تأکید می‌کنند تفاوت کلیدی میان «بدهی دولت» و «پول پرقدرت» در همین نقطه است. بدهی دولت اگر در بازار عمیق و با مشارکت واقعی سرمایه‌گذاران تأمین شود، الزاماً تورم‌زا نیست؛ اما اگر به‌طور سیستماتیک از مسیر بانک‌های دولتی یا بانک‌های تحت فشار خریداری شود، کانال تورمی فعال می‌شود. به بیان دیگر، ابزار درست می‌تواند در مکانیسم غلط به نتیجه غلط برسد.

■ **چرا بانک‌های دولتی در خط مقدم خرید اوراق قرار می‌گیرند؟**

در اقتصاد ایران، بانک‌های دولتی و شبه‌دولتی معمولاً نقش پررنگ‌تری در اجرای سیاست‌های مالی و حمایتی دارند. از یک‌سو، به دلیل سهم بالا در تأمین مالی دولت و شرکت‌های دولتی، همواره در معرض «تکالیف اعتباری» و «اعتباری» و «یتی» هستند و از سوی دیگر، در بسیاری از

اگر انتشار اوراق بدهی دولت به بانک‌های دولتی تحمیل شود، «کسری پنهان» به ناترازی بانک‌ها و در نهایت رشد بدهی به بانک مرکزی تبدیل می‌شود. به گزارش مهر، دولت‌ها برای پوشش کسری بودجه معمولاً دو مسیر اصلی پیش‌رو دارند؛ یا کسری را با اصلاح هزینه‌ها و افزایش پایدار درآمدها مهار می‌کنند، یا آن را به آینده منتقل می‌کنند. در ادبیات مالیه عمومی، انتشار اوراق بدهی می‌تواند ابزار سالم‌تری نسبت به استقراض مستقیم از بانک مرکزی باشد؛ اما به شرطی که بازار بدهی واقعا «بازار» باشد، نه کانالی برای انتقال فشار مالی به شبکه بانکی. در غیر این صورت، اوراق از یک ابزار تأمین مالی کم‌هزینه به یک مکانیسم تولید «کسری پنهان» تبدیل می‌شود؛ کسری‌ای که در ظاهر در حساب‌های دولت ثبت می‌شود، اما در عمل اثرش را در ترازنامه بانک‌ها و سپس در پایه پولی نشان می‌دهد.

■ **کسری پنهان یعنی چه و چرا خطرناک است؟**

کسری پنهان زمانی شکل می‌گیرد که دولت با ابزارهای ظاهراً غیرتورمی مانند فروش اوراق، تأمین مالی کند اما خریدار واقعی اوراق، بخش غیربانکی و سرمایه‌گذاران بلندمدت نباشند. در این حالت، بانک‌ها به‌عنوان «خریدار ناگزیر» وارد می‌شوند؛ خریدی که ممکن است با منابع